

با تنبیه تربیت حاصل نمی‌شود

علی اصغر فانی

اخیرا گزارش شده است که يك دانش‌آموز دوره متوسطه توسط معاون (ناظم) دبیرستان شدیداً تنبیه شده است. آیا تنبیه ابزار خوبی برای تربیت است؟ لطفاً تا آخر این یادداشت با ما باشید:

اگر تربیت را ایجاد رفتار مطلوب نسبتاً پایدار در متری تعریف کنیم. لازمه ایفای چنین نقشی این است که مربی از قدرت نفوذ روی متری برخوردار باشد. تغییر رفتار در دانش‌آموز مستلزم تغییر در دانش، تغییر در بینش، تغییر در رفتار فردی و در نهایت تغییر در رفتار گروهی است. تغییر در دانش متری کار ساده‌ای است و زمان زیادی را طلب نمی‌کند. منظور از تغییر دانش، آموختن مفاهیمی است که متری بداند که کدام پسندیده و کدام مذموم است. هر تغییر دانشی لزوماً منجر به تغییر بینش نمی‌شود. تغییر در بینش سخت‌تر و زمان‌برتر از تغییر دانش است. تغییر در بینش لزوماً به تغییر رفتار فرد نمی‌انجامد. تغییر در رفتار فردی نسبت به دو مرحله قبلی سخت‌تر و زمان‌برتر است. نهایت آرزوی ما این است که تغییرات مطلوب ایجاد شده در رفتار متری، پایدار و مانا باشد. در یادداشتهای قبلی اشاره کردیم که افراد را می‌توان در نسل‌های X و Y و Z و آلفا بر اساس بازه زمانی که متولد شده‌اند طبقه‌بندی کرد.

نسل Z متولدین (2010-1996): به عنوان افرادی مهربان، منصف، دلسوز، روشنفکر و شوخ‌طبع توصیف می‌شوند. اعضای نسل Z در دنیایی بزرگ شده‌اند که روز به روز تنوع آن بیشتر می‌شود و مرزها حذف شده و به کمک دیجیتال شدن، دسترسی به اطلاعات نیز بسیار آزاد و آسان شده است. این نسل خود را نسلی موفقیت‌محور، تحت تاثیر روابط و تمرکز به کار هدفمند توصیف می‌کند. آنها هیچ دنیایی را بدون گوشی هوشمند، اینترنت همراه و رسانه‌های اجتماعی نمی‌شناسند.

نسل آلفا (متولدین 2025-2010): در این بازه زمانی «آی‌پد» برای اولین بار معرفی شد. اینستاگرام ایجاد شد و در سال 2010، اصطلاح اپلیکیشن به زندگی اکثر مردم راه پیدا کرد. نسل آلفا به انتخاب خود اهمیت زیادی می‌دهند، از معلمان خود انتظار دارند که نیازهای فردی آنها را در نظر بگیرند. آنها به دلیل انجام بازی‌های دیجیتالی مهارت‌های بصری و توانایی‌های شناختی بهتری در مورد هماهنگی دست و چشم دارند.

پدران، مادران و همچنین دست‌اندرکاران تربیت (مدیر، معاون، مربی تربیتی و معلمین) بدانند که رمز تربیت متربیان، دارا بودن «قدرت نفوذ» در اولیا و مربیان بر دانش‌آموزان است. لازمه قدرت نفوذ، جلب اعتماد متربیان است. پدر، مادر و مربیان اگر از دید دانش‌آموزان صداقت، شایستگی، ثبات رای، وفاداری و روراستی داشته باشند مورد اعتماد بوده و ایشان قدرت نفوذ بر دانش‌آموزان را خواهند داشت. در این حالت است که دانش‌آموزان به جای ترس از معاون (ناظم) مدرسه با او «رودربایستی» دارند و حفظ جایگاه خود را در ذهن ناظم با اهمیت می‌شناسند.

جا دارد، اشاره‌ای به هوش هیجانی (EQ) داشته باشیم. با هوش شناختی (IQ) کم و بیش آشنایی دارید. گاردنر هوش هیجانی عبارت است از میزان توانایی درک دیگران و فهم آنچه در آنها انگیزه ایجاد می‌کند و اینکه چگونه با آنها همکاری کنید. IQ ذاتی است و تا سن 15 سالگی رشد می‌کند و متوقف می‌شود در حالی که EQ اکتسابی بوده و رشد آن تا آخر عمر می‌تواند ادامه یابد. برای سازگاری با محیط دایما در حال تغییر از جمله هوش مصنوعی و تاثیر بر زندگی مردم و روابط فردی و گروهی و... تفاوت نسلی شایسته است. وزارت آموزش و پرورش برنامه جامع آموزش اولیا، معلمان و دانش‌آموزان را طراحی و با دقت و حساسیت، آنها را برای ورود به محیط و تعامل با تحولات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی آماده کند.